

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

A.R.M.D

آرشیف اسناد جنبش انقلابی

فرستنده: طارق از افغانستان- ۱۰/۱۰/۲۷

خبروش رسد دریکیسا

شام یکشنبه ۱۴ دلو ۵۸ صاحبمنصبان و عساکروطن دوست قول اردو و اقوام دلبرو مجاهد پکتیا
جهد کبیرلی مارا با حمله شور انگیز دیگر، نوید بخشتر نمودند. درین شام پیش از هزار و
پانصد عسکر جانباز، به فرماندهی و ابتکار افسران آگاه کدک، مخا بره، دیپوهای اسلحه رابا قهر
انقلابی تصرف نموده و بعد از اعدام جاگران وطن فروش روس، قوای متجاوز روسی را که مانند تمام
قطعات اردو و افغانستان، قطعات قول اردو و پکتیا را نیز در محاصره قرار داده بودند - به زیر
آتش گرفتند. در زیر ششیدیکه دو ساعت جریان داشت هژده تن از صاحبمنصبان و عساکر قسوائ
زهدار روسی بقتل رسید. از جانب اردو و نیز دو عسکر جوان خون پاک شانرا نثار راه آزاد میهن
نمودند. روان شان شاد باد! سپس عساکر و صاحبمنصبان شورشی، با آنچه از سلاح و مهمات که
با خود میتوانستند ببرد، بسوی اقوام همزمن و همیمان خود شتافتند. نیمه های شب روستاهای
تومانخیز پکتیا سرآزان نفس سوخته را در آغوش گم جنگجویان کهزاد و در امواج نگاه های نواز شکر
مادران، خواهران و کودکان آنها میدید که ندای وجدان ملت افغانستان - سرگند آزاد و - را فریاد
میگشیدند. در آن شب و فردا غیاره های اشغالگران روسی نشان پای سرآزان شورشی را، که در
زیر برف پنهان شده بود، نتوانست بیاید. ولی این حقیقت آشکار بود که سرآزان به رزمندگان راه
آزادی پیوسته بودند تا با ننگ استعمار روس تصفیه حساب کنند.

از آغاز جهاد ملی ماتاگون پیوستن قطعات اردو و به صفوف رزمندگان ملی کار بیسابقه ای
نیست. با انهم رویداد ۱۴ دلو دارای مضمون نهیست که انرا از جهاتی از موارد سابق مشابه
میسازد. خصوصیت بارز شورش ۱۴ دلو تدارک و رهبری آگاهانه و مسئولانه آن توسط جبهه متحد
ملی، با ابتکار سلازمان آزادیبخش مردم افغانستان، قرار دادن امکانات زمینی و انقلابی اردو در تحت
تسلیم توده ها و تقویت جهاد ملی، طرد وابستگی و فرار طلبی و غالبترین دستاورد به کشتن
قریباً نیمیست. این ابتکار انقلابی تنها با همبستگی انقلابی اردو و مردم و با اتکا بر تجربه خود
مردم - هم در بخش نظامی و هم در بخش توده ای - در اثر جمع بندی دقیق تجارب و نتیجه گیری
صحيح ازان میتوانست صورت پذیرد.

کشور گرامی مادر شش سال اخیر شاهد دگرگونیهای مهمی بوده است. در این شش سال
تاریخ زرم، جاودان نمای، شاهی، برد و شهنشاه - دیوانه ای، تاگورستان تاریخ بدرقه
گردید و کاج جمهور سرداری، بدست استان بوسان بارگاه شنبق گذاری شد و روح شیطانسی
نابغه جنایت، بدست خون الود شاگرد جلا شخفه گردید. در خلال این بازهای "هوشربای"
روسی این پندارگرما کن دامن زده میشد که گویا اردو و "تاجبخش و تاجگیر" منشا، مستکرو عامل
تعیین کننده دگرگونیهای اجتماعیست. در برده این پندارهای تضادها و درونی جامعه و
کشاکشهای غول اسای جهانی و نقش اساسی آنها در تحولات جامعه بیاد فراموشی سپرده میشد.
ولی وقتی روس استعمارگر، بهوش تیره جنایات بین پایان خود، جاگر جلا خود را در مسلخ
نیرنگ استعمار قربان نمود و سفله ای رسواتر را به قلاده بردگی بست، نه تنها عناصر فریفته،
بلکه "پهلوان پنه" های خود شیفته اردو و رانیز به این حقیقت آگاه نمود که اردو و جد از مردم،
اگر تا دندان هم مسلح باشد، باز چه بیمتداری، بیش نیست. از جانب دیگر تاریخ ملت ما که
سرشار از حماسه ها و قهرمانیها و نشیب و فرازهاست توده ها را از خلال مقایسه چشم دید های
جاری، با حوادث گذشته به تکاپوی راهجویی و احساس ضرورت اتکا بخود نزدیک تر نمود.

جبهه متحد ملی، به ابتکار سلازمان آزادیبخش مردم افغانستان، تجارب توده ها و اردو
را جمع بندی و بهم تلفیق نمود و انرا به شکل فشرده به توده ها وارد و رسانید میگی از نتایج آن
در قیام متحد، متکی بخود، میهندوستانه و آزادیخواهانه ۱۴ دلو تجلی یافت.
قیام ۱۴ دلو نشان داد که نیروها، ملی، میهندوست و انقلابی داخل کشور از آن جهت
خارج چشم استعمار روسی را ستجیان فراری جیره خوار امپریالیزم نیز هستند که در نبرد خونین
آزادی، سردرگف، در کنار مردم خود ایستاده اند و با ادعای دروغین آزادیخواهی و خدمت به
مردم زنجیر استعمار روسی را با زنجیر استعمار دیگر، تعویض نمیکنند. پس پیرویه نیست که
رادیه های جهانی از امریکا تا پیکس و از لندن تا پاکستان همه یکدا میکوشند -
تهدید، جانباز راه آزادی، میهن و ساریات مردم دایر مارا به فرارمان جیره خوار خود نسبت
دهند و در برابر حادثه مهم ۱۴ دلو که اصالت ملی دارد مهر خوشی بر لب زنند.
قیام ۱۴ دلو بار دیگر ثابت نمود که هرگاه مردم متحد گردند و از رهبری آگاه، مسئول و
جانباز برخوردار باشند نیاز ندارند سلاح زرم خود را از کسی گدائی کنند. بلکه میتوانند انرا
بدر کافی از دشمن بدست آرند.
درس آموزی از تجربه ۱۴ دلو دریکیسا، مجاهدت برای تحکیم و عمیقیت بخشیدن این تجربه

بمنظور ست دادن صحیح جهاد کبیر ملی ما و خنثی نمودن توطئه ها و نیرنگ های دشمنان
رتکارنگ مردم افغانستان اهمیت بسزائی دارد . ما اگر از اوضاع و جریانهای کشور و جهان شناخت
صحیح و همه جانبه نداشته باشیم و دوزنما را با دستپوشی تکمیل این خطر وجود دارد که
شرقیانها و جانبازهای ما بازم بدست دشمنان نقاب پوشها بیفتند و فاجعه ای دردناکسر
دامگیر ما شود .

خشم و نفرت جهانی که در سازمان ملل و کفرانس کشورهای اسلامی در برابر تجاوز
رهزانه سوسیال امپریالیزم برکشور آزاده ما انعکاس نموده شاید این گمان را برانگیزد که ملت
افغان ، بیچون و چرا میتواند بر همدردی و همکاری بی شائبه جهانی اتکا نماید . ولی واقعیت
اینست که هیچ قدرتی در جهان ، بدون در نظر گرفتن سود و زیان خود ، با کسی دوستی یا
دشمنی نمیکند . از بیروست که ، مثلا ، اسرائیل دشمن اسلام تجاوز روسیه را بر میهن ما محکم می
کند و سازمانهای فلسطینی ، که از جگر گوشه زخمی جهان اسلام میخواهند نمایندگی کنند ، بر
شمشیر روسیه رهنم ، که بخون ملت مسلمان افغان افشته است ، بوسه می زنند . پس ما هم حق و
وظیفه داریم که ، با اتکا بر فرور خدشه ناپذیر ملت قهرمان خود ، دست های کمک را که بطرف
مردم ما دراز میشود ، با در نظر داشت منافع تاریخی و انقلابی مردم خود و بدون تن دادن به
خفت و بردگی ، بفشاریم . اینها نیکه منافع و ضروری ملی ما را با اتکا ، بغیر ، باللهام گیریم و مداحی
از اجانب و دمسازان با منافع و سیاستهای دیران بیازیم ، میگیرند چیزی جز نوع اسارت نوین برای
ملت افغانستان به ارمغان نمی آورند ، هر چند آنها در پوشش های متبرک یا انقلابی نمایوشانند .
پس باید معیار وطن دوستی و آزادیخواهی را اتکا بر مردم ، زمین در میدان نبرد رویاروی
وفاداری به منافع ملی و انقلابی - در نظر و عمل - دانست .

فشار توانفرسای جهانی ، چند پارچگی چاکران میهن فروش روسیه در اسارت و ساقاوست
خفروشدن مردم ممکن است روس غدار را بازم به تمویض چاکر و یا نوعی سازش با حریفان و ادار
سازد . زیرا که سازش و عقب نشینی ، در شرایط کنونی ، همچنان عالمگیر ضد روسی را فروکش می
دهد و بنفع روس است . بهر حال ، خواست مردم افغانستان تنها با خشکاندن ریشه های
بلید استعمار - چه شرقی و چه غربی - میتواند برآورده شود . از نیرو پذیرش و ادامه بیکاری
جانبازان و بیگیر - بشائبه خونهای آزادی واقعی - امری ناگهراست . درین رابطه ما باید
شیوه های خاص جنگی را که با امکانات و شرایط ما سازگار باشد در پیش گیریم . تا با کمترین
قربانی بیشترین دستاورد را داشته باشیم و تمام بگام راه برتری و تکامل را بیساییم . جنگ "ایله -
جار" ، که با قربانیهای فیر لازم ، فقط برای بهره برداریهای تبلیغاتی سوداگران سیاسی کسک
میکنند باید کنار گذاشته شود .

انقلاب اجتماعی علیه ایستگاهها ، هدفمند و متشکل ، از نیرو بیروزی جهاد کبیر ملی ما ،
با سنگبری متری و انقلابی ، مستلزم سازماندهی ، ایجاد و پشتیبانی از سازمان پیشتازانست که
تمام نیروهای مجاهد ملی را ، در تمام ابعاد مبارزاتی آگاهانه و جانبازانه تنظیم و رهبری نماید .
بدون چنین سازمان ارمان ملی و انقلابی مردم افغانستان - بگواهی تاریخ - برآورده نخواهد
شد .

هم میهنان شجاع ! ابرهائی تیره تجاوز و استعمار اجنبی ، که آسمان وطن ما را پوشانده
است ، خروش رسد را در پی دارد . هم اکنون صدای زمینجویانه وحدت ملی از دره های توفانزای
نورستان تا هرات قهرمان - با جهت گیری ضد استعمار و ضد ارتجاع بلند است . بکتیاد رحمانه
۱۴ دلو مظهر این وحدت ملی و انقلابی را اطله داد . ما با سازماندهی رهبری جهاد کبیر ملی
در میدان نبرد رویاروی ، با در آمیختن خروش انقلابی همه سنگرهای جهاد ، با بسیج مردم جانباز
سراکشورد تمام سطح و اشکال مبارزاتی ، با لرد تمام مظاهر و جوانب استعمار و ارتجاع و بسا
اتکا به نیروی ملت خود بسوی قله بر افتخار بیروزی ره میکشاییم تا برویانه های استعمار و ارتجاع
افغانستان آزاد ، اباد و انقلابی را اعلازنماییم . این خواست مردم است و مردم بیروز میشوند .
پس مرگ یا آزادی !

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان